

«زن و مطالعات خانواده»

سال اول - شماره اول - پاییز ۱۳۸۷

ص ص ۱۷۶ - ۱۵۳

## جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان

دکتر محمود علمی<sup>۱</sup>

### چکیده

مشارکت سیاسی، فعالیت شهروندان به منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی دولت است و ساز و کار مهمی است که از طریق آن، سازماندهی توده‌ها، رشد سرمایه اجتماعی و کنترل افزایش یافته، قدرت دولت‌ها ممکن شده، مسؤلیت‌پذیری حکومت افزایش می‌یابد. در مطالعه حاضر به بررسی رابطه بین آگاهی سیاسی، مشارکت سیاسی و جنسیت پرداخته شده است.

روش تحقیق، پیمایشی، جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز؛ حجم نمونه آماری، بر اساس فرمول کوکران حدود ۳۸۵ نفر و شیوه نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای متناسب با جنسیت می‌باشد. بر اساس چارچوب‌های نظری مورد استفاده و نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌ها، میزان مشارکت سیاسی دانشجویان پسر و دختر متفاوت است، پسران مشارکت بالایی نسبت به دختران دارند. سطح آگاهی سیاسی پسران نیز بیشتر از دختران است و بین مشارکت سیاسی دانشجویان و میزان آگاهی سیاسی آنان نیز رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج به دست آمده با نتایج تحقیقات پیشین تقریباً همخوانی دارد. بطور کلی می‌توان گفت، زنان مانند مردان بطور کامل در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی قرار نمی‌گیرند و نهادهای مدنی هم ظرفیت پذیرش زنان را ندارند.

### واژه‌های کلیدی:

مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، جنسیت، دانشجویان، جامعه‌پذیری سیاسی

<sup>۱</sup> - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

## بیان مسأله

ایده مشارکت از مباحث مربوط به دموکراسی نشأت می‌گیرد دموکراسی و جمهوریت در دوره معاصر در نزد بسیاری از نظریه پردازان علوم اجتماعی و سیاسی، مطلوب‌ترین نظام سیاسی به شمار می‌آید. حاکمیت مردم و تحدید قدرت دولت و حکومت دو رکن اصلی ایدئولوژی را تشکیل می‌دهد. چگونگی مشارکت مردم در نظامهای مردم سالار از طرفی و محدود کردن آن در نظامهای خود کامه و تمرکزگرا از طرف دیگر، بستری فراهم آورده است تا اندیشمندان از زوایای مختلف به طرح موضوع پرداخته و پیرامون محدود کردن یا گسترش مشارکت مردم به تفکر و تأمل بپردازند. در سده‌های اخیر همزمان با افزایش آگاهیهای عمومی مردم و گسترش تقاضای آنان برای دخالت در اداره امور جامعه، یکی از حوزه‌های وسیع و فعال مطالعه در جامعه‌شناسی سیاسی را جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی مردم تشکیل می‌دهد.

یک نظام سیاسی هر اندازه از میزان مشارکت عمومی و سیاسی بیشتری در اداره امور جامعه برخوردار باشد، به همان میزان از مشروعیت و حقانیت بیشتری بهره‌مند می‌گردد. بدین معنا که مردم با مشارکت در سرنوشت مشترک خود، خویشتن را با حکومت و سازمان اجرایی جامعه هماهنگ و در تعادل می‌بیند و دستگاه حکومتی نیز در پیشبرد امور، به اعمال زور، خشونت و قوه قهریه نیازی ندارد. به علاوه، بهره‌مندی نظام سیاسی از میزان بالای مشارکت عمومی، عامل ثبات و تداوم، بقا و ماندگاری آن نظام است. حتی می‌توان توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) را مقید و مشروط به امر مشارکت دانست و بحث مشارکت را جزو اساسی‌ترین مباحث مربوط به توسعه‌سیاسی، دموکراسی و جامعه مدنی دانست.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه با تأکید بر ارزشهای انسان‌گرایانه و خلاقیت گروهی، مشارکت را بعنوان نیاز بشر و راهکار اصلی توسعه دانسته‌اند زیرا توسعه، عبارت از ایجاد

تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایشها و نهادها برای تحقق کامل هدفهای جامعه است.

مشارکت جزواساسی و لاینفک توسعه به شمار می‌آید زیرا استفاده از کمک دواطلبانه اجتماعی و بهره‌گیری از منابع داخلی برای تحقق توسعه و کاهش هزینه‌های آن مؤثر است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۸). حسین بشیریه، معتقد است که هدف و فرجام توسعه سیاسی، گسترش مشارکت و رقابت گروههای اجتماعی در زندگی سیاسی می‌باشد که از تجربه تاریخی بسیاری از کشورها استنتاج شده است. در واقع یکی از ابزارهای توسعه سیاسی، آزادی گروهها و نیروهای اجتماعی در مشارکت و رقابت سیاسی می‌باشد (بشیریه، ۱۳۸۴، ۱۱).

مشارکت از طریق سازماندهی گروهها، سرمایه اجتماعی جامعه را گسترش می‌دهد و ساز و کاری است که گروههای فرعی و حاشیه‌ای را توانمند می‌سازد تا در متن و جریانهای اصلی حیات اجتماعی خود نقش و اثر بیشتری داشته باشند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۸).

از جنبه دیگر با توجه به اینکه دموکراسی و جمهوریت در قرون معاصر در نزد بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف علوم انسانی به عنوان مطلوب‌ترین نظام سیاسی به شمار می‌آید و برای برپایی آن جنبشهای سیاسی متعددی در مناطق مختلف جهان شکل گرفته است، حاکمیت مردم و تحدید قدرت دولت و حکومت دو رکن اصلی این ایدئولوژی را تشکیل می‌دهد چون حاکمیت مردم جز از طریق مداخله آنها در فرآیند تصمیم‌سازی و اعمال قدرت میسر نخواهد بود. بنابراین مبادی دموکراسی را مشارکت سیاسی مردم شکل می‌دهد و بطور کلی امروزه یکی از معیارهای تقسیم‌بندی نظامهای سیاسی، کمیت و کیفیت مشارکت آحاد جامعه در فرآیندهای کسب قدرت و تصمیم‌سازی می‌باشد (میبراث و گوئل، ۱۳۸۶، ۴۶).

گذشته از نقش پر رنگ مشارکت در فرآیندهای توسعه، دموکراسی، رشد سیاسی، افزایش سرمایه اجتماعی، نقش آن در کنترل قدرت دولتها و مسؤولیت پذیر نمودن شهروندان حایز اهمیت است به طوری که مشارکت شهروندان در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی، آنان را از حالت رعیت به شهروند ارتقا می‌دهد.

## اهداف مطالعه

### هدف اصلی:

«بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد واحد تبریز» هدف اصلی این تحقیق می‌باشد.

### اهداف فرعی:

- تعیین رابطه بین جنسیت و مشارکت سیاسی دانشجویان
- تعیین رابطه میان آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان
- تعیین رابطه بین جنسیت و میزان آگاهی سیاسی دانشجویان

### تعریف مشارکت سیاسی:

از نظر «وربا» و «کیم» فعالیت سیاسی شامل تمام فعالیت‌های قانونی شهروندان غیر حکومتی است که کم و بیش به طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آنها اثر می‌گذارد (چابکی، ۱۳۸۲، ۱۱۰). «بشیریه» بر نقش رقابت در تعریف مشارکت سیاسی تأکید نموده و مشارکت سیاسی را به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اراده جامعه و تعریف مصالح عمومی می‌داند (بشیریه، ۱۳۸۲، ۱۳).

«هانتینگتون» مشارکت سیاسی را عبارت از فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی دولت می‌داند (هانتینگتون و واینر، ۱۳۷۹، ۱۸۷).

«پیانوریس» بر عنصر تأثیرگذاری و ایجاد تغییر تأکید کرده، تعریف ذیل را از مشارکت سیاسی ارائه می‌نماید: هرگونه ابعادی از فعالیت که یا بطور مستقیم با هدف تأثیرگذاری بر نهادهای دولتی و فرآیندهای سیاست‌گذاری یا بطور غیرمستقیم برای تأثیرگذاری بر جامعه مدنی صورت گیرد یا هر تلاشی که با هدف ایجاد تغییر در الگوهای نظام‌مند رفتار اجتماعی انجام پذیرد (تاج‌مزیانی، ۱۳۸۴، ۴۲).

به نظر آبرکرامبی در کتاب فرهنگ جامعه شناسی، مشارکت سیاسی، شرکت در فراگردهای سیاسی است که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و بر آن تأثیر می‌گذارد (آبرا کرامبی، ۱۳۷۶، ۲۷۶). مایکل راش مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی، می‌داند (راش، ۱۳۸۳، ۱۲۳). «سی رایت میلز» بر این باور است که «اگر فرد بتواند قوانین جدید وضع و عندالزوم قوانین موجود را تغییر دهد به مشارکت سیاسی نایل آمده است» (علیخانی، ۱۳۸۵، ۳).

«میلبراث و گوئل» مشارکت سیاسی را آن دسته اعمال شهروندان خصوصی که سعی دارند سیاست و حکومت را تحت تأثیر یا حمایت قرار دهند، تعریف می‌کنند (میلبراث و گوئل، ۱۳۸۶، ۱۲).

هانتینگتون سه نوع تقسیم‌بندی از مشارکت سیاسی ارائه داده، معتقد است که مشارکت سیاسی تقسیماتی دارد که بیشتر در سه سطح کمی جلوه گر می‌شود:

۱. اشتراک محدود گروه کوچکی از نخبگان اشرافی، سنتی، دیوان‌سالاری و....
۲. به میان آمدن طبقات متوسط در صحنه سیاسی.
۳. اشتراک وسیع و بالای نخبگان، طبقات متوسط و اکثریت مردم در فعالیت‌های سیاسی.

مشارکت سیاسی از لحاظ کیفی به سه سطح تقسیم می‌شود: مشارکت سیاسی فعال، مشارکت سیاسی انفعالی (افراد جامعه از کوچکی چنان تربیت می‌شوند که در زمان مقتضی به مشارکت بپردازند) و مشارکت خنثی و بی‌اثر (افراد به تدریج دانسته‌اند که نباید در سیاست دخالت کنند زیرا تجارب تلخی از آن دارند).

### تئوری‌های تبیین‌کننده مشارکت سیاسی

#### نظریهٔ جین لایگی، رویکرد کنش متقابل نمادین

بر اساس نظر لایگی، تعامل اجتماعی دارای بینش‌های کلیدی است که کمک می‌کند تا بدانیم چرا افراد درگیر سیاست می‌شوند. وی معتقد است تعامل اجتماعی فرصتهایی را برای فرد فراهم می‌آورد تا دربارهٔ سیاست اطلاع کسب کنند و به فرد اجازه می‌دهد که فراتر از منابع خویش به مشارکت بپردازد و بر موانع مشارکت سیاسی چیره شود. زیرا درک، اطلاعات، منابع و توانایی‌های فردی ذاتاً محدود است. استدلال لایگی این است که افرادی که در محیط‌های اجتماعی متفاوت اقامت دارند، میزان مشارکت سیاسی‌شان نیز فرق می‌کند. افراد به وسیله تعامل با محیط اجتماعی خود در معرض اطلاعات بی‌نظیری قرار می‌گیرند که به نوبه خود رفتار سیاسی آنها را تغییر می‌دهد. البته از نظر وی تعامل وقتی مهم است که دارای محتوایی سیاسی باشد. بنابراین داشتن دوستان سیاسی، خانوادهٔ سیاسی، تعامل با افرادی که به سیاست علاقه‌مندند یا درگیر امور سیاسی‌اند و بحث سیاسی با دوستان، موجب می‌شود که افراد اطلاعات و مطالبی دربارهٔ ساز و کارهای سیاست و امور سیاسی یاد بگیرند و اطلاعات و تجربیات سیاسی آنها افزایش یابد و مشارکت آنان تسهیل شود. از طرفی تعامل با همگنان موجب رفتاری از سوی فرد می‌شود که برای آنها قابل قبول است و در واقع محرک‌های سیاسی واقع در محیط اجتماعی فرد، به مشارکت سیاسی وی می‌انجامد (دیانتی نیت، ۱۳۸۲، ۴۳).

#### نظریهٔ یورگن هابرماس، رویکرد انتقادی

هابرماس در قالب نظریهٔ انتقادی، در مقابل مفهوم عقلانیت ابزاری همه‌گیر، اندیشهٔ فرآیند رهایی بخش عقل ارتباطی را عنوان می‌کند. گسترش حوزهٔ عقلانیت ارتباطی مستلزم گسترش تواناییهای کلامی و ارتباطی است. از اینجا هابرماس به مفهوم وضعیت کلام آرمانی می‌رسد که در آن تواناییهای ارتباطی و کلامی لازم برای ایجاد جهانی عقلانی، تحقق می‌یابند. بنابراین، عرصهٔ فعالیت سیاسی رهایی بخش در سرمایه‌داری متأخر، حوزهٔ عمل تفاهمی و ارتباطی فارغ

از سلطه است (هولاب، ۱۳۸۳، ۶). به گفته هابرماس از قرن هیجدهم به بعد، حوزه‌های همگانی پدیدار شد که افراد خصوصی در آن گرد می‌آمدند تا دربارهٔ مقررات ناظر به کار جامعه (جامعه مدنی) و سیاست‌های دولت (اقتدار عمومی) به بحث بپردازند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۱۲۰). حوزه عمومی، عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گردهم می‌آیند و بر خلاف نهادهایی که تحت سلطهٔ خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک، نوید می‌دهد (هولاب، ۱۳۸۳، ۲۶). از نگاه هابرماس، عرصهٔ عمومی نه تنها عرصهٔ مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است بلکه عرصهٔ تعیین حقایق در امور کلی و عقلانی در زندگی سیاسی نیز می‌باشد.

### ساموئل هانتینگتون، رویکرد مدرنیزاسیون

طبق نظر هانتینگتون، فرآیند توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی از دو طریق مجزا می‌تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بینجامد. یکی از این مجراها تحرک اجتماعی است. با شروع توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی منجر به تحرک اجتماعی و ظهور قشر جدیدی از افراد تحصیل کرده مانند متخصصان، مدیران، کارگران، تکنوکرات‌ها و روشنفکرانی می‌شود که از آگاهی سیاسی بالایی برخوردارند و این به نوبه خود در فرد احساس توانایی و تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی را ایجاد می‌کند. این نگرشها در مجموع می‌تواند زمینهٔ کنش اجتماعی و سیاسی را فراهم کند و مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی باشد. مردمی که از قدرت تأثیرگذاری بر تصمیمات اتخاذ شده برخوردارند، آنها را به امتیاز گرفتن از قدرت سیاسی حاکم، در قالب تقاضا، برای مشارکت سیاسی سوق می‌دهد و در نهایت این چالش‌ها و چانه‌زنی‌های سیاسی بین مردم و قدرت سیاسی به انعطاف‌پذیری نظام سیاسی و در نتیجه تحقق بسترها و زمینه‌های مشارکتی منتهی می‌شود. به نظر وی از میان متغیرهای منزلتی، میزان تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. مجرای دوم، مجاری سازمانی یعنی عضویت فرد در انواع گروهها و

سازمانهای اجتماعی مانند اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروههای مدافع، علائق خاص و ... است که احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. این عامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آنها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد (هانتینگتون، ۱۳۷۹).

### نظریه رونالد اینگلهارت

اینگلهارت افزایش مشارکت در مغرب زمین را از طریق سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی؛ تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویتهای ارزشی، مورد تبیین قرار داده است.

به نظر وی متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارتهای ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی، بر افزایش مشارکت تأثیر گذاشته‌اند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۴۶).

### پیشینه تحقیق

#### تحقیقات در خارج از کشور

لیپست در مورد شرکت در انتخابات به این نتیجه می‌رسد که الگوی مشارکت سیاسی در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیش از زنان؛ بیشتر آموزش دیده‌ها بیش از کمتر آموزش دیده‌ها، شهرنشینان بیش از روستائیان، میان‌سالان بیشتر از جوانان و پیران، متأهلان بیش از مجردان، افراد دارای منزلت بالا و اعضای سازمانها بیشتر در سیاست مشارکت می‌نمایند (لیپست و دوز، ۱۳۷۳، ۳۱۹). ماروین اولسن نیز در کتاب «پویایی‌های جامعه‌ای» عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی را مطرح می‌کند. وی به بررسی تحقیقات انجام شده می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد، در گذشته مردان بیش از زنان تمایل به دخالت در امور سیاسی داشته‌اند ولی در سالهای اخیر میزان مشارکت مردان و زنان در ایالت متحده به نحو چشمگیری یکسان و برابر شده است. با افزایش سن افراد، میزان مشارکت سیاسی افزایش پیدا می‌کند ولی در سنین کهن سالی به تدریج کاهش می‌یابد. سفیدپوستان بیش از سایر نژادها، یهودیان بیش از کاتولیک‌ها



و پروتستان‌ها، افراد تحصیل کرده بیش از افراد کم‌سواد، افراد با منزلت اجتماعی - اقتصادی بالا بیش از افراد دارای درآمد پایین، فرزندان والدینی که به امور سیاسی می‌پردازند بیش از فرزندان خانواده‌هایی که به امور سیاسی تمایل نشان نمی‌دهند، افرادی که عضو انجمن‌های داوطلبانه‌اند بیش از افرادی که عضویت ندارند و افرادی که به وسایل ارتباط جمعی مانند خواندن روزنامه و تماشای تلویزیون می‌پردازند، بیشتر در فعالیت‌های سیاسی درگیر می‌شوند (اولسن، ۱۹۹۱، ۳۱۴).

### تحقیقات داخلی

ام‌البنین چابکی در تحقیقی با عنوان «جنسیت و مشارکت سیاسی: بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران» به بررسی تأثیر جنسیت بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های الزهرا، امام صادق، تهران، شهید بهشتی و صنعتی شریف پرداخته است. نتایج این پژوهش، مؤید یافته‌های جهانی دربارهٔ علاقه‌مندی سیاسی زنان در مقایسه با مردان است و نشان می‌دهد که زنان اعم از اینکه در دانشگاه‌های مختلط یا غیر مختلط باشند علاقه‌مندی سیاسی کمتری (در مقایسه مردان) دارند و مشارکت سیاسی آنان کمتر از مردان جنبهٔ فعالانه دارد. بینش سیاسی زنان بیش از مردان تحت تأثیر خانواده شکل می‌گیرد. زنان دیرتر از مردان به سیاست علاقه‌مند می‌شوند (چابکی، ۱۳۸۲).

محمد رضا باقری احمدآبادی در تحقیقی که به روش پیمایشی انجام داده به این نتیجه رسیده است که مردان بیش از زنان، مجردها بیش از متأهلان، شاغلان دولتی بیش از آزاد و افراد تحصیل کرده بیش از افراد با تحصیلات پایین در سیاست مشارکت می‌نمایند. افراد دارای حس کارآیی سیاسی بالا، با اعتماد بالا به نظام سیاسی موجود و اعتماد به دیگران و دارای آگاهی سیاسی بالا، بیشتر در سیاست مشارکت می‌کنند. همچنین خانواده و دوستان فرد نیز بر کنش سیاسی افراد تأثیر بسزایی دارند (علیخواه، ۱۳۸۳).

### فرضیه‌های پژوهش

- (۱) بین جنسیت و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- (۲) بین میزان آگاهی سیاسی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- (۳) بین جنسیت و میزان آگاهی سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.

### تعریف متغیرهای تحقیق

#### تعاریف نظری مشارکت سیاسی:

بر اساس تعریف مایکل راش: مشارکت سیاسی عبارت است از درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی (راش، ۱۳۸۳، ۱۲۳). همچنین بر اساس تعریف میلبراث و گوئل: آن دسته از اعمال شهروندان خصوصی که سعی دارند سیاست و حکومت را تحت تاثیر یا پشتیبانی قرار دهند، مشارکت سیاسی نام دارد (میلبراث و گوئل، ۱۳۸۶، ۲۷).

#### تعاریف عملی مشارکت سیاسی:

شاخص‌های مشارکت سیاسی با توجه به مدل میلبراث و راش طراحی شده‌اند. در این تحقیق از ۱۰ شاخص جهت سنجش میزان مشارکت سیاسی با توجه به ماهیت سلسله مراتبی و هرمی شکل آن استفاده شده است. توضیح این نکته ضروری است که مواردی که با شرایط کشورمان مصداق نداشته، در این شاخص‌سازی مدنظر قرار نگرفته است. از آنجایی که هر پاسخگو می‌توانسته چند شاخص را به عنوان میزان مشارکت سیاسی خود انتخاب نماید، فراوانی‌های مجموع ۱۰ شاخص مطرح شده، به عنوان میزان مشارکت سیاسی هر فرد مورد سنجش قرار گرفته است. با در نظر گرفتن فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار برای شاخص‌ها، ملاحظه شد تعداد افراد از قاعده هرم تا رأس هرم کاهش چشمگیری می‌یابد و بنابراین اطمینان حاصل شد که با توجه به سلسله مراتبی بودن شاخص‌های مشارکت سیاسی، در عمل نیز تعداد افراد از قاعده هرم به سوی رأس هرم کاهش می‌یابد.

جدول (۱) گویه‌های مربوط به متغیر مشارکت سیاسی

ردیف	(گویه‌های مشارکت سیاسی دانشجویان)
۱	در انتخابات مختلف سراسری که شرایط حضور در آن را داشته باشم، شرکت می‌کنم
۲	اطلاعات و اخبار سیاسی کشور را پیگیری می‌کنم.
۳	در بحث‌های سیاسی که در بین دانشجویان در کلاس و خوابگاه شکل می‌گیرد شرکت می‌کنم
۴	شرکت در برنامه‌ها و همایش‌های اجتماعی - مدنی که از طرف تشکل‌های ذیربط که در دانشگاه و کشور برگزار می‌شود
۵	تشویق دیگران به شرکت در انتخابات سراسری
۶	همکاری در یکی از نهادهای سیاسی دانشگاه مانند انجمن اسلامی، بسیج دانشجویی و یا یکی از احزاب رسمی کشور
۷	تبلیغ انتخاباتی به نفع کاندیدای مورد علاقه خود در انتخابات سراسری
۸	عضویت در یکی از نهادهای سیاسی دانشگاه و یا یکی از گروه‌ها و احزاب رسمی کشور
۹	ارائه نظرات انتقادی یا اصلاحی خود به مسئولین و دستگاه‌های دولتی مثل نوشتن نامه، مراجعه حضوری و ...
۱۰	تاکنون برای رسیدن به مقام‌هایی در نهادهای سیاسی دانشگاه یا خارج از دانشگاه مانند شورای شهر و نمایندگی مجلس نامزد شده‌ام

#### تعریف نظری آگاهی سیاسی:

آگاهی سیاسی عبارت از میزان اطلاعات پاسخگویان از مسائل سیاسی - اجتماعی روز است که برای سنجش آن سؤالهایی از مسائل روز طرح گردیده است.

#### تعریف عملی آگاهی سیاسی:

متغیر آگاهی سیاسی از طریق طرح ۸ سؤال در مورد مسائل سیاسی - اجتماعی روز داخلی و خارجی مورد سنجش قرار گرفت. مجموع تعداد جواب‌های درست پاسخگویان نشان دهنده میزان آگاهی سیاسی فرد بود.

#### پایایی و اعتبار وسیله اندازه‌گیری

برای اطمینان از اعتبار اندازه‌گیری شاخص‌های متغیر مشارکت سیاسی با توجه به سطح سنجش آن، از اعتبار تجربی استفاده شد. اعتبار تجربی با رابطه بین وسیله اندازه‌گیری و نتایج اندازه‌گیری سر و کار دارد. فرض بر این است که

اگر وسیله اندازه‌گیری از اعتبار کافی برخوردار باشد، باید نوعی رابطه تجربی بین نتایج به دست آمده از وسیله اندازه‌گیری و سایر مشخصات پدیده مورد مطالعه وجود داشته باشد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد با در نظر گرفتن فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار برای شاخص‌ها، تعداد افراد از قاعده هرم تا راس هرم کاهش چشمگیری می‌یابد و بدین صورت اطمینان یافتیم که با توجه به سلسله مراتبی بودن شاخص‌های مشارکت سیاسی، در عمل نیز تعداد افراد از قاعده هرم به سوی رأس هرم کاهش می‌یابد. برای اطمینان از پایایی ابزار اندازه‌گیری از آلفای کرونباخ استفاده گردید.

### جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق، دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ به تعداد ۲۱/۰۰۰ نفر می‌باشد. واحد تحلیل در این تحقیق فرد (دانشجو) می‌باشد و سطح تحلیل با توجه به جامعه آماری تحقیق یعنی دانشجویان، در سطح خرد می‌باشد. نمونه آماری پژوهش شامل ۳۸۵ نفر می‌باشد که خود بر آوردی از جامعه آماری است. به منظور انتخاب و تعیین حجم نمونه در این مطالعه، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده استفاده شده است. بدین منظور ابتدا آمار دانشجویان در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ از اداره آمار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز برحسب دانشکده‌ها و رشته‌های تحصیلی تهیه و جهت بر آورد و تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d} - 1 \right)} \approx 385$$

$$N = 21000 \text{ اندازه جامعه آماری}$$

$$P = 0.5 \text{ وجود صفت}$$

$$q = 0.5 \text{ نبود صفت}$$

$$۱/۹۶ = \text{کمیت } t \text{ با ضریب اطمینان } ۰/۹۵$$

$$d = ۰/۵۰ \text{ دقت احتمالی مطلوب ( اشتباه مجاز)}$$

لازم به ذکر است که علاوه بر حجم نمونه به دست آمده (۳۸۵ نفر)، به منظور کاهش احتمال تأثیر پرسشنامه‌های گمشده، ناقص و مخدوش و بالا بردن ضریب اطمینان، تعدادی پرسشنامه به آن اضافه شده است.

جدول (۳-۴): جامعه آماری دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد واحد تبریز در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ و حجم نمونه اختصاص یافته بر حسب دانشکده‌ها و جنسیت

دانشکده	تعداد کل دانشجویان	زن	مرد	روش تخصیص حجم نمونه	زن	مرد	درصد
فنی و علوم پایه	۶۵۳۱	۱۸۹۹	۴۶۳۲	$۶۵۳۱ = ۲۱/۱۰۰ \times ۳۸۵$	۳۵	۸۵	۳۱/۱
ادبیات	۴۵۳۰	۲۸۹۴	۱۱۳۶	$۳۴۲۸ = ۲۱/۱۰۰ \times ۳۸۵$	۵۳	۲۱	۱۹/۲
حسابداری و مدیریت	۳۴۲۸	۷۲۴	۲۷۰۴	$۳۴۲۸ = ۲۱/۱۰۰ \times ۳۸۵$	۱۳	۵۰	۱۶/۳
علوم انسانی و تربیتی	۳۱۱۱	۲۰۱۸	۱۰۹۳	$۳۱۱۱ = ۲۱/۱۰۰ \times ۳۸۵$	۳۷	۲۰	۱۴/۸
حقوق و علوم سیاسی	۲۰۱۸	۶۰۲	۱۴۱۶	$۲۰۱۸ = ۲۱/۱۰۰ \times ۳۸۵$	۱۱	۲۶	۱۰
کشاورزی و دامپزشکی	۱۸۸۲	۱۱۰۸	۷۷۴	$۱۸۸۲ = ۲۱/۱۰۰ \times ۳۸۵$	۲۰	۱۴	۹

### روش تحقیق

با توجه به گستردگی موضوع مورد مطالعه، از روش میدانی (field study) و تکنیک پیمایشی (survey) برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد که شامل سوالات بسته، بسته چند گزینه‌ای و نیمه باز بوده و به شوه کیفی (از سوالات عمومی به ویژه) طراحی شده است. طیف مورد استفاده در طراحی پرسشنامه از نوع طیف لیکرت می‌باشد.

### فنون تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات علاوه بر تشریح داده‌ها در قالب آماره‌های توصیفی، از شاخص‌های استنباطی نیز مانند آزمونهای T مستقل و ضریب همبستگی پیرسون جهت تبیین اطلاعات گردآوری شده استفاده گردیده است.

### یافته‌ها

#### وضعیت جنسی دانشجویان

از کل نمونه آماری، ۲۱۶ نفر از آزمودنیها مرد و ۱۶۹ نفر زن می‌باشند. به عبارت دیگر ۵۶/۱ درصد پاسخگویان را دانشجویان پسر و ۴۳/۹ درصد باقی را دانشجویان دختر تشکیل داده‌اند.

جدول (۳)- توزیع جمعیت نمونه بر حسب جنسیت

ردیف	جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
۱	مرد	۲۱۶	۵۶/۱	۵۶/۱
۲	زن	۱۶۹	۴۳/۹	۱۰۰
	جمع	۳۸۵	۱۰۰	۱۰۰

#### آماره‌های توصیفی سن دانشجویان

نتایج نشان می‌دهد که حداقل سن جمعیت مورد بررسی ۱۹ سال و بالاترین سن ۳۸ سال می‌باشد و میانگین بدست آمده معادل ۲۳/۶ می‌باشد به عبارت دیگر نمونه آماری مورد بررسی در تحقیق حاضر بطور متوسط ۲۴ سال سن دارند.

جدول (۴) - آماره‌های توصیفی مربوط به سن جمعیت نمونه

تعداد معتبر	حداکثر	حداقل	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
۳۷۷	۳۸	۱۹	۲۳/۶۶	۳/۴۸	۱۲/۱۸	۱/۷	۴/۲

### آماره‌های توصیفی متغیر مشارکت سیاسی

در تحقیق حاضر متغیر مشارکت سیاسی، متغیر وابسته می‌باشد که با ۱۴ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. با توجه به اینکه هر پاسخگو می‌توانسته به بیش از یک گزینه اشاره کند، مجموع فراوانی گزینه‌ها در نظر گرفته شده است. از آنجایی که مشارکت سیاسی ماهیت سلسله مراتبی و هرمی شکل دارد یعنی هر قدر به سطح بالای سلسله مراتب مشارکت سیاسی می‌رسیم، تعداد افرادی که درگیر سطوح بالاتر مشارکت سیاسی می‌شوند، کمتر مورد انتظار است، نتایج به دست آمده نیز بیانگر این واقعیت است که اکثر دانشجویان مورد بررسی در سطوح پایین‌تر، مشارکت سیاسی فعال داشته‌اند و تعداد کمتری در سطوح بالاتر در مشارکت سیاسی درگیر شده‌اند، از این رو بین فراوانی‌های مورد انتظار در سلسله مراتب مشارکت سیاسی مطابقت وجود دارد. بنابراین از آنجایی که حداقل درگیر شدن افراد در سیاست در قاعده هرم سلسله مراتب مشارکت سیاسی، شرکت در انتخابات و پی‌گیری اخبار و حوادث سیاسی کشور است، در نمونه‌آماری تحقیق حاضر نیز ۷۸ درصد پاسخگویان در انتخابات شرکت کرده‌اند، در حالی که حداکثر درگیر شدن افراد در سیاست، جستجو یا احراز مقام سیاسی و اجرایی در سطوح بالا، نامزد شدن در انتخابات شورای شهر، نمایندگی مجلس و... می‌باشد در نمونه آماری این تحقیق نیز تنها ۵/۲ درصد (۲۰ نفر) از دانشجویان مورد بررسی، در بالاترین سطوح سلسله مراتب مشارکت سیاسی فعالیت کرده‌اند. نتایج توزیع فراوانی کل دانشجویان به تفکیک دختر و پسر و بر اساس سطوح مختلف سلسله مراتب مشارکت سیاسی در جدول (۵) منعکس شده است.

جدول (۵) - توزیع فراوانی مشارکت دانشجویان به تفکیک سطوح فعالیت و مشارکت سیاسی

ردیف	گوبه‌های مشارکت سیاسی دانشجویان	کل دانشجویان		دانشجویان پسر		دانشجویان دختر	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	معمولاً در انتخاب سراسری شرکت می‌نمایم	۳۰۲	۷۸/۴	۱۷۹	۵۹/۳	۱۲۳	۴۰/۷
۲	در بحث‌ها و گفتگوهای سیاسی با افرادی که در ارتباط هستم شرکت می‌نمایم	۱۹۲	۴۹/۹	۱۳۰	۶۷/۷	۶۲	۳۲/۳
۳	اطرافیان را به شرکت در انتخابات سراسری تشویق می‌نمایم.	۱۷۹	۴۶/۵	۱۱۱	۶۲	۶۸	۳۸
۴	به تبلیغ حزب یا نامزد مورد علاقه‌ام در انتخابات مختلف می‌پردازم	۱۰۴	۲۷	۷۶	۷۳/۱	۲۸	۲۶/۹
۵	با یکی از نهادهای سیاسی دانشگاه نظیر انجمن اسلامی، بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی و یا یکی از گروه‌های سیاسی رسمی کشور همکاری می‌نمایم.	۷۵	۱۹/۵	۵۸	۷۷/۳	۱۷	۲۲/۷
۶	در برنامه‌های و گردنمایی‌های اجتماعی - مدنی که از طرف نهادهای سیاسی کشور و یا دانشگاه برگزار می‌گردد شرکت می‌نمایم.	۱۰۷	۲۷/۸	۷۴	۶۹/۲	۳۳	۳۰/۸
۷	در یکی از نهادهای سیاسی دانشگاه نظیر انجمن اسلامی، بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی و یا یکی از احزاب سیاسی رسمی کشور عضویت دارم.	۸۴	۲۱/۸	۵۹	۷۰/۲	۲۵	۲۹/۸
۸	نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را به مسئولین نهادهای دولتی از راه‌های گوناگون نظیر مراجعه حضوری، نوشتن نامه، نوشتن مطلب در روزنامه و ... مطرح می‌نمایم.	۷۷	۲۰	۴۷	۶۱	۳۰	۳۹
۹	تاکنون برای بدست آوردن مسئولیت‌هایی در تشکل‌های دانشجویی نظیر انجمن اسلامی، بسیج دانشجویی و ... و یا مقام‌هایی در نهادهای سیاسی خارج از دانشگاه نظیر شورای شهر، نمایندگی مجلس و ... نامزد شده‌ام.	۲۰	۵/۲	۱۵	۷۵	۵	۱۵
۱۰	در انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی عضو هستم	۷۷	۲۰	۴۷	۶۱	۳۰	۳۹
۱۱	در کانون‌های علمی، ادبی و هنری عضو هستم	۵۲	۱۳/۵	۴۱	۶۹/۵	۱۱	۲۱/۱
۱۲	در هیأت‌ها و تیم‌های ورزشی عضو هستم.	۴۴	۱۱/۴	۳۴	۷۷/۳	۱۰	۲۲/۷
۱۳	در کانون‌ها و هیأت‌های مذهبی عضو هستم	۶۰	۱۵/۶	۳۹	۶۵	۲۱	۳۵
۱۴	در سایر تشکل‌ها ... عضو هستم	۱۵	۳/۹	۱۰	۶۶/۷	۵	۳۳/۳



جدول (۶) آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر مشارکت سیاسی

تعداد معتبر	حداکثر	حداقل	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
۳۸۵	۱۲	۰	۳/۶	۲/۸۳	۸/۰۴	۰/۹۶	۰/۴۵

## آماره‌های توصیفی متغیر آگاهی سیاسی

آگاهی سیاسی یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق می‌باشد در مطالعه حاضر جهت ساخت شاخص آگاهی سیاسی ۱۰ سوال بسته و نیمه باز پیرامون مسائل سیاسی اجتماعی روز به دانشجویان ارائه گردید. تعداد پاسخهای صحیح آزمودنیها به سؤالات مطروحه که در نهایت به صورت امتیاز در آمده، بیانگر میزان آگاهی سیاسی دانشجویان می‌باشد که نمره صفر بیانگر پایین بودن میزان آگاهی سیاسی دانشجویان (یا عدم وجود آگاهی سیاسی) و نمره ۲۰ بیانگر آگاهی سیاسی بالای دانشجویان هست. با لحاظ کردن دامنه تغییرات به صورت یک طیف ۳ قسمتی بصورت آگاهی سیاسی پایین، متوسط و بالا به شکل پیوستار ترسیم شده است. میانگین محاسبه شده برای این متغیر معادل ۵/۱ می‌باشد که نشان دهنده آگاهی سیاسی دانشجویان در حد پایین است.



جدول (۷) آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر آگاهی سیاسی

تعداد معتبر	حداکثر	حداقل	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
۳۸۵	۱۸	۰	۵/۱۴	۵/۰۸	۲۵/۸۹	۰/۶۰۵	-۰/۸۲۵

## آزمون فرضیه‌های پژوهش

### جنسیت و مشارکت سیاسی:

«بین جنسیت دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد». برای آزمون رابطه بین دو متغیر جنسیت و مشارکت سیاسی، با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها، از آزمون تفاوت میانگین برای گروه‌های مستقل (t-test) استفاده شده است. همان طور که می‌دانیم آزمون t بهترین روش برای مقایسه میانگین در دو گروه می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که میزان مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری دارد. چنان که در جدول مربوط به آماره‌های توصیفی (۸) ملاحظه می‌گردد، میانگین میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان پسر ۴/۲۵ و در بین دانشجویان دختر ۲/۷۶ می‌باشد که تفاوت تقریباً بالایی به میزان ۱/۴۹ بین میانگین‌های دو گروه ملاحظه می‌گردد. همچنین نتایج آزمون یکنواختی واریانسها نشان می‌دهد که واریانس شاخصهای آماری میان دختران و پسران متفاوت است. چنانچه در جدول آزمون t-test و یکنواختی واریانسها ملاحظه می‌گردد، میزان معنی‌داری بدست آمده ۰/۰۰۰ می‌باشد که این تعداد کمتر از آلفای مورد قبول در تحقیقات اجتماعی است. لذا مدرک کافی برای رد فرضیه صفر داریم از این رو فرضیه صفر رد و فرضیه اصلی مورد تایید قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

جدول (۸) - آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر مشارکت سیاسی دانشجویان به تفکیک جنسیت

مشارکت سیاسی	جنسیت	تعداد مشاهدات	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار
						۰/۲۰۸
سیاسی	پسر	۲۱۶	۴/۲۵	۱/۴۹	۳/۰۵۸	۰/۱۷
	دختر	۱۶۹	۲/۷۶			

جدول (۹) آزمون t-test و یکنواختی واریانس‌ها برای متغیر مشارکت سیاسی به تفکیک دختر و پسر

مشارکت سیاسی	F یکنواختی واریانس	معنی داری F	کمیت t	درجه آزادی	معنی داری T
	۱۷/۱۴۴	۰/۰۰۰	۵/۲۹	۳۸۳	۰/۰۰۰

### جنسیت و آگاهی سیاسی

«بین جنسیت دانشجویان و آگاهی سیاسی آنان تفاوت معنی داری وجود دارد». جهت آزمون رابطه بین دو متغیر جنسیت و آگاهی سیاسی، با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها، از آزمون تفاوت میانگین برای گروههای مستقل (t-test) استفاده شده است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین آگاهی سیاسی در بین دانشجویان دختر و پسر متفاوت است. این میانگین برای دانشجویان پسر ۷/۰۳ و برای دانشجویان دختر ۲/۷۲ می‌باشد، که تفاوت تقریباً بالایی معادل ۴/۳۱ بین میانگینهای دو گروه ملاحظه می‌شود. همچنین آزمون یکنواختی واریانسها نشان می‌دهد که واریانس شاخصهای آماری میان دختران و پسران متفاوت است. به علاوه میزان معنی داری بدست آمده معادل ۰/۰۰۰، نشان می‌دهد که معنی داری آزمون فوق کمتر از ۰/۰۵ است یعنی سطح معنی داری به دست آمده کمتر از آلفای مورد قبول در تحقیقات اجتماعی می‌باشد ( $sig=0/000 < \alpha=0/05$ ) لذا مدرک کافی برای رد فرضیه صفر داریم. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه اصلی تأیید می‌شود، یعنی بین میانگینهای میزان آگاهی سیاسی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود دارد و میزان آگاهی سیاسی در بین دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر است.

جدول (۱۰) - آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر آگاهی سیاسی در بین دانشجویان دختر و پسر

آگاهی سیاسی	جنسیت	تعداد مشاهدات	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار
						اشتباه معیار
سیاسی	پسر	۲۱۶	۷/۰۳	۴/۳۱	۵/۳۸	۰/۳۶۶
	دختر	۱۶۹	۲/۷۲			۰/۲۶۱

## جدول (۱۱)

آزمون t-test و یکنواختی واریانس‌ها برای میزان آگاهی سیاسی به تفکیک جنسیت

معنی داری T	درجه آزادی	کمیت t	معنی داری F	F یکنواختی واریانس	مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	۳۸۳	۹/۰۹	۰/۰۰۰	۵۸/۵۰۹	

## آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی

«بین آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد». برای آزمون رابطه بین متغیرهای آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی از آماره ضریب همبستگی I پیرسون استفاده شده است. با توجه به سطح معنی داری بدست آمده (۰/۰۰۰) که کوچکتر از آلفای مورد قبول در تحقیقات (۰/۰۵) است، می توان گفت بین دو متغیر مذکور رابطه معنی داری وجود دارد. لذا مدرک کافی برای رد فرضیه صفر پژوهش داریم و فرضیه اصلی تحقیق تأیید می گردد. همچنین شدت همبستگی بین دو متغیر ۰/۲۹۸ است که نشان دهنده همبستگی ضعیف بین این دو متغیر است.

جدول (۱۲) ضریب همبستگی پیرسون و سطح معنی داری آن بین دو متغیر آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی

آگاهی سیاسی		متغیر مستقل X متغیر وابسته Y
۰/۲۹۸**	ضریب همبستگی	مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۳۸۵	تعداد مشاهدات معتبر	

\* سطح معنی داری در سطح احتمال ۰/۰۵

\*\* سطح معنی داری در سطح احتمال ۰/۰۱

## نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول نشان می دهد که میان میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود دارد (p=۰/۰۰۰ و df=۳۸۳). نتایج این فرضیه با یافته‌های لیپست همخوانی داشته است ولی با یافته‌های

ماروین اولسن که معتقد بود در سالهای اخیر مشارکت زنان و مردان در ایالات متحده یکسان و برابر شده است، همخوانی ندارد. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که بین جنسیت و آگاهی سیاسی دانشجویان نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد، یعنی میزان آگاهی سیاسی دانشجویان پسر حدود دو برابر دانشجویان دختر می‌باشد. آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که بین آگاهی سیاسی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود ندارد ( $p=0/000$  و  $t=0/298$ ). به عبارت دیگر هر چقدر میزان آگاهی سیاسی و اطلاعات سیاسی - اجتماعی دانشجویان بیشتر بوده، میزان مشارکت سیاسی آنان افزایش یافته است. پس می‌توان عنوان کرد که داشتن اطلاعات سیاسی - اجتماعی و پیگیری مسائل مذکور نقش موثری بر مشارکت افراد ایفا می‌نماید. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات لیپست، جین لایگلی و اولسن همخوانی داشته است. آزمون  $t$  مستقل نشان دهنده این است که اختلاف میزان آگاهی سیاسی دانشجویان دختر و پسر به طور چشمگیری معنی‌دار می‌باشد، به نحوی که دانشجویان پسر از میزان آگاهی سیاسی بالاتری نسبت به دانشجویان دختر برخوردار بوده‌اند ( $p=0/000$  و  $df=383$ ).

### نتیجه و بحث

نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که بین جنسیت و مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر به فعالیت‌های سیاسی می‌پردازند. میانگین میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان پسر  $4/25$  و در بین دانشجویان دختر  $2/76$  می‌باشد. طبق نظر لیپست مردان بیش از زنان به مشارکت سیاسی می‌پردازند. این مسأله در بسیاری از تحقیقات پیشین از جمله در تحقیق ام‌البین چابکی، باقری احمدآبادی (جنسیت و مشارکت سیاسی) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج تحقیق وی حاکی از آن است که پسران در مقایسه با دختران فعالانه‌تر در امور سیاسی مشارکت می‌کنند. همچنین یافته‌های جهانی نیز بر بی‌علاقگی زنان نسبت به تصدی‌مشاغل سیاسی گواهی می‌دهند و نشان می‌دهند که مشارکت

سیاسی زنان در سطح توده‌ها، چندان متفاوت از مردان نیست، اما در سطح نخبگان این اختلاف‌ها بسیار آشکار است.

در بررسی علل علاقه‌مندی بیشتر دانشجویان پسر و بطور کلی مردان به فعالیت‌های سیاسی می‌توان چنین عنوان نمود که پسران به دلایل گوناگون بیش از دختران در محیط خارج از خانه حضور داشته و از مکانیسم‌های بیشتری جهت کسب خبر و اطلاعات سیاسی برخوردارند. از سوی دیگر به لحاظ ارزشهای حاکم بر جامعه، سیاست موضوعی مردانه تلقی می‌شود. به همین خاطر مردان بیشتر به آن می‌پردازند، از این رو هم امکانات و هم انگیزه لازم را برای مشارکت فعالانه در اختیار دارند. این در حالی است که علایق سیاسی دختران با توجه به شرایط و امکانات اجتماعی که در اختیار دارند، بیشتر در چهار چوب خانه و خانواده شکل می‌گیرد.

همچنین از دیگر یافته‌های این تحقیق این است که بین جنسیت و آگاهی سیاسی دانشجویان تفاوت معنی داری وجود دارد، بدین معنی که آگاهی سیاسی دانشجویان پسر به طور چشمگیری بیشتر از دانشجویان دختر می‌باشد. شاید بتوان گفت که موارد ذکر شده بالا یعنی علاقه‌مندی کمتر زنان به سیاست، تلقی کردن سیاست به عنوان مشغله ویژه مردان، شکل‌گیری علایق سیاسی زنان در چهار چوب خانه و خانواده و نبود مکانیسم‌های لازم در جامعه برای فعالیت سیاسی زنان را نیز به عنوان دلایل پایین بودن آگاهی سیاسی آنان دانست.

از یافته‌های دیگر این تحقیق این که میان میزان آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد. درباره تأثیر این متغیر از نظریات افراد مختلفی نظیر لیپیست، هانتینگتون، هابرماس، کولی، پارسونز و آلموند استفاده نمودیم. بر اساس این تحقیق دانشجویانی که از آگاهی سیاسی بالایی برخوردار بودند، مشارکت سیاسی بیشتری نیز داشته‌اند و دانشجویانی که از آگاهی سیاسی کمتری برخوردار بوده‌اند، کمتر درگیر فعالیتهای سیاسی شده‌اند.

## منابع

- آبر کرامبی، ن. و ترنر، ب.، فرهنگ جامعه ترجمه حسن پویان، (۱۳۷۶)، تهران، انتشارات چاپ پخش.
- آراسته‌خو، م. (۱۳۷۷)، تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران (موانع و مشکلات جامعه شناختی)، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- بشیریه، ح.، (۱۳۸۴)، موانع توسعه سیاسی در ایران، چاپ پنجم، تهران، گام نو.
- چابکی، ا.، (۱۳۸۲)، جنسیت و مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۴ و ۴۵.
- دیانتی نیت، ج.، (۱۳۸۲)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- راش، م.، (۱۳۸۳)، جامعه و سیاست (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی)، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سوم، انتشارات سمت.
- علیخواه، ف.، (۱۳۸۳)، سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی (جلد دوم)، انتشارات دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لپیست، م. و دوز، ر.، (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه محمدحسین فرجاد، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
- میلبرث، ل. و گوئل، ل.، (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی، ترجمه سیدرحیم ابوالحسنی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- هانتینگتون، س. و واینر، م.، (۱۳۷۹)، درک توسعه سیاسی، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هانتینگتون، س.، ترجمه محسن ثلاثی، (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، چاپ اول، نشر علم.
- هولاب، ر.، ترجمه حسین بشیریه، (۱۳۸۳)، یورگن هابرماس: نقدی در حوزه عمومی، چاپ سوم، نشر نی.
- Hoskins, B., (2003), What about Youth political participation?, Research seminar
- November (2003), European Youth Center, Strasburg, France, and Internet: [www.Youth-partnership.net](http://www.Youth-partnership.net).

- 
- Norris, P., (2003), the consequences of electoral reform for political participation, Internet: [www.pippanorris.com](http://www.pippanorris.com).
  - Norris, P., (2001), preaching to the converted? Pluralism, participation, and party websites, Internet: [www.pippanorris.com](http://www.pippanorris.com).
  - Olsen, M., (1991), societal dynamics: exploring macrosociology, New Jersey: Prentice Hall.